

بخش سوم

**بررسی اهم مصوبات اجلاس سران و وزرای خارجه دولتهای
اسلامی و میزان انطباق آنها با منشور سازمان کنفرانس اسلامی**

فصل اول

بررسی اجلاس و اهم مصوبات سران اسلامی و میزان انطباق آنها بامنشور «سکا»

بند اول - اولین کنفرانس اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

اولین کنفرانس سران اسلامی از ۱۲ تا ۱۹ رجب ۱۳۸۹ هـ ق برابر با ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ میلادی در رباط مراکش تشکیل شد. این کنفرانس، حریق عمدی در مسجدالاقصی و وضع خاورمیانه، بعد از این حادثه را مورد توجه قرارداد. کنفرانس سران در رباط، با در نظر گرفتن اینکه تصمیمات متخذه در کنفرانس باید پیگیری شود و همچنین به منظور تشکیل دبیرخانه دائمی برای قبول مسئولیت برقراری تماس با دولتهای شرکت کننده در کنفرانس و هماهنگ کردن فعالیت‌های آنها، تصمیم گرفت جلسه‌ای را با حضور وزرای خارجه دولتهای عضو در مارس ۱۹۷۰ در جده تشکیل دهد. کنفرانس سران با نطق ملک حسن پادشاه مراکش، افتتاح شد. ۲۵ کشور در این کنفرانس شرکت کردند^۱. جامعه مسلمانان هند به عنوان عضو اصلی و نمایندگان سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان عضو ناظر شرکت کردند. کشورهای سوریه و عراق در کنفرانس شرکت نداشتند. دولت سوریه، علت عدم شرکت خود را، قطع رابطه سیاسی با مراکش اعلام کرد اما دولت عراق دلیلی برای عدم حضور خود ذکر نکرد.

اهم تصمیمات متخذه در این کنفرانس، که طی قطعنامه پایانی کنفرانس در جلسه علنی

قرائت شد، عبارتند از:

۱. دولتهای شرکت کننده در این اجلاس عبارت بودند از ۱- ایران، ۲- الجزایر، ۳- افغانستان، ۴- اردن، ۵- اندونزی، ۶- پاکستان، ۷- ترکیه، ۸- تونس، ۹- چاد، ۱۰- عربستان، ۱۱- سودان، ۱۲- سنگال، ۱۳- سومالی، ۱۴- کویت، ۱۵- لبنان، ۱۶- لیبی، ۱۷- مالی، ۱۸- نیجر، ۱۹- مصر، ۲۰- مالزی، ۲۱- موریتانی، ۲۲- مراکش، ۲۳- گینه، ۲۴- یمن جنوبی، ۲۵- یمن شمالی، ۲۶- جامعه مسلمانان هند، ۲۷- سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف).

- تحکیم همبستگی دولتهای اسلامی و بسط تفاهم مشترک بین آنان و حفظ ارزشهای معنوی، اجتماعی و اقتصادی اسلام با تأکید بر اصل برابری حقوق در بین همه افراد بشر.

- اعلام وفاداری نسبت به منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر و تقویت روابط معنوی و برادری در بین کشورهای اسلامی و حمایت از آزادی، فرهنگ و تمدن مشترک بر مبنای عدالت و اجتناب از تبعیضات^۱.

- ابراز اشتیاق نسبت به توسعه رفاه، پیشرفت و آزادی یکدیگر و کوشش در جهت حفظ صلح و امنیت به منظور گسترش همکاری فیما بین در زمینه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و معنوی که از تعالیم فناپذیر اسلام الهام می‌گیرد.

اعلام انزجار از واقعه تأسف انگیز آتش زدن مسجدالاقصی در ۲۱ اوت ۱۹۶۹ و انهدام اماکن مقدس تحت اشغال نظامی اسرائیل در شهر بیت‌المقدس، که برای پیروان اسلام، مسیحیت و یهود محترم است، این فاجعه موجب افزایش کشمکش در خاورمیانه و تشدید نگرانی مردم سراسر جهان شده است، سران کشورهای شرکت کننده اظهار می‌دارند که برای خصوصیات مقدس این اماکن و آزادی این رفت و آمد لازم است بیت‌المقدس وضعیتی را که قبل از ژوئن ۱۹۶۷ برای یک دوره ۱۳۰۰ ساله داشته است، مجدداً باز یابد.

- شرکت کنندگان در کنفرانس، از همه دولتها به ویژه دولتهای فرانسه، انگلیس، شوروی و آمریکا می‌خواهند که وابستگی عمیقی که پیروان اسلام نسبت به شهر بیت‌المقدس دارند و تصمیم دولتهای اسلامی برای آزادسازی این شهر را از نظر دور ندارند و اعلام کنند که ادامه اشغال نظامی سرزمینهای ممالک عرب به وسیله اسرائیل از ژوئن ۱۹۶۷ و بی‌اعتنایی کامل آن کشور به توصیه شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر عدم انضمام بیت‌المقدس، موجب عمیق‌ترین نگرانی برای ملتها و دولتهای اسلامی شده است. شرکت کنندگان، از همه اعضای جامعه بین‌المللی مخصوصاً دولتهای بزرگ درخواست می‌کنند که

۱. منظور از «تبعیضات» - بر اساس پاراگراف ۳ از بند الف ماده ۲ منشور سازمان کنفرانس اسلامی «از بین بردن تبعیضات نژادی» است.

تلاش‌های فردی و جمعی خود را تشدید کنند و با توجه به این اصل، که پیروزی نظامی نمی‌تواند باعث تصرف اراضی شود، موجبات خروج سریع کلیه نیروهای اسرائیلی از همه سرزمینهایی که در نتیجه جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به دست آورده است را فراهم آورند.

- شرکت کنندگان در کنفرانس، متأثر از واقعه غم‌انگیز فلسطین، حمایت کامل خود از مردم این سرزمین، در مبارزاتشان به خاطر اعاده حقوق و نیل به آزادی را اعلام می‌دارند. شرکت کنندگان در کنفرانس وفاداری خود بر اصول صلح - اما صلحی که با افتخار و عدالت همراه باشد - را مورد تأکید قرار می‌دهند.^۱

بند دوم - تجزیه و تحلیل نقاط عطف اجلاس اول سران

اگر چه اجلاس رباط، به دلیل بررسی و اتخاذ تصمیم پیرامون حریق عمدی «مسجدالاقصی» تشکیل گردید اما در خلال قطعنامه پایانی این اجلاس، نشانی از مواجهه عملی با اسرائیل دیده نمی‌شود و تنها این مطلب که لازم است بیت‌المقدس وضعی را که قبل از ژوئن ۱۹۶۷ داشت مجدداً بازیابد، ابراز شده است. گویا که در نخستین اجلاس سران اسلامی، یکی از اصلی‌ترین اهداف سازمان کنفرانس اسلامی که به «ایجاد هماهنگی در فعالیتها برای آزاد ساختن اماکن مقدسه و آزادی فلسطین»^۲ اشاره دارد، در چارچوب یک اقدام عملی نادیده گرفته و سران کشورهای اسلامی، به جای استمداد از یک میلیارد مسلمان آماده شهادت برای آزادسازی بیت‌المقدس، به دولتهای فرانسه و انگلیس و ... متوسل شده و از آنان می‌خواهند تا وابستگی عمیق مسلمانان نسبت به شهر بیت‌المقدس را از نظر دور ندارند ... به هر حال، اجلاس رباط بدون ارائه برنامه عملی در مواجهه با صهیونیسم، به کار خود پایان داد.

نکته در خور توجه آنکه، «پادشاهان مراکش و ایران در کنفرانس سران سخنانی ایراد کردند. شاه ایران ضمن تأکید مجدد بر همکاری کشورهای اسلامی، اشاره‌ای به عاملین حادثه

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹.

۲. بند الف - از پاراگراف ۵ - ماده ۲ منشور «سکا».

بررسی اجلاس و اهم مصوبات سران اسلامی و میزان انطباق آنها با منشور «سکا» / ۱۳۳

«الاقصی» نداشت و حمله‌ای را متوجه اسرائیل نکرد، وی در پایان سخنرانی خود اظهار داشت: «آرزو دارم بین تمام کشورهای مسلمان تفاهم کامل و همکاری فراهم شود. آرزو دارم تمامی این کشورها در محیط عقل و وقار پیشرفت کنند».

وزرای خارجه ۱۱ کشور، مأمور تهیه قطعنامه پایانی اجلاس رباط شدند، وزیر امور خارجه ایران نیز جزو کمیته تهیه قطعنامه بود. اردشیر زاهدی در رابطه با پیشنهاد دولتهای تند روی عرب پیرامون مسأله فلسطین اظهار داشت: کنفرانس رباط، یک کنفرانس اسلامی است و نباید خود را درگیر مسائل اعراب و اسرائیل کند و باید محدود به چارچوب همبستگی ملل اسلامی باشد^۱.

از سوی دیگر، مطبوعات غرب با آگراندیسمان اجلاس رباط، ناخواسته منویات دولتهای متبوع خود را در قبال سازمان کنفرانس اسلامی و جناحهای ذی مدخل در آن، ابراز داشتند.

مجله اکونومیست لندن، ضمن گزارشی درباره کنفرانس رباط نوشت: «ناصر» طی پیام کوتاهی که از بستر بیماری صادر نمود، امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را محکوم نمود. ناصر میل داشت رهبران غیر مسلمان را تحریک نماید ولی موفق نشد و شاه ایران، ملل اسلامی را دعوت کرد که طبق اصول مشترک مذهبی، در راه همبستگی گام بردارند. شاه ایران، سلطان حسن دوم، پادشاه مراکش، و ملک فیصل و رهبران میانه رو و واقع بین عرب اظهار علاقه کردند که کنفرانس رباط نخستین و آخرین کنفرانس سران ممالک اسلامی نباشد و ادامه یابد و راه اتحاد و همبستگی ملل مسلمان را هموار سازد^۲».

نیویورک تایمز نوشت: «شاهنشاه ایران در ضمن سخنرانی خودشان، کنفرانس اسلامی را یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام به شمار آوردند ولی اشاره‌ای به مبارزه پیشنهادی رهبران عرب که در بیانیه‌های خود تکرار می‌کردند، ننموده و از رؤسای دولتهای اسلامی خواستند که راه

۱. همایون، اسد، نتایج کنفرانس اسلامی رباط، واشنگتن، ۲۹ دی ۱۳۴۸، ص ۱۹.

۲. همایون، اسد، «نتایج کنفرانس اسلامی رباط»، واشنگتن، ۲۹ دی ۱۳۴۸، ص ۲۸-۲۷.

عقل و منطق را در پیش گیرند.»

به نظر یکی از جراید بلژیک، کنفرانس عالی رباط حدود اعتدال و منطق را رعایت کرده است. روش و لحن قطعنامه کنفرانس رباط، با قطعنامه‌هایی که تاکنون از طرف رهبران عرب صادر شده است، تفاوت دارد.

ایونینگ استار واشنگتن مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۶۹، طی تفسیر خود با عنوان «میان‌روها و طرفداران اعتدال، کنفرانس رباط را تحت کنترل دارند» نوشت: «رهبران غیر عرب مسلمان سعی خواهند کرد قطعنامه را محدود سازند».

واشنگتن پست مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۹ نوشت: «عبدالناصر امیدوار بود کشورهای میان‌رو غیر عرب را وارد مرحله مبارزه علیه اسرائیل کند ولی امید وی، تبدیل به یاس شد». در جمع بندی این اجلاس باید گفت: حضور رهبران محافظه کار غیر عرب مانند شاه ایران و رهبران عرب مانند ملک «حسن دوم» پادشاه مراکش و ملک فیصل، شاه عربستان، و از طرفی سخنرانی شاه ایران و ملک حسن دوم در اجلاس رباط، پیرامون مسائل جهان اسلام و لحن ملایم قطعنامه پایانی این اجلاس و از سویی عدم حضور سران دولتهای تندروی عرب نظیر رهبران سوریه و عراق و حضور غیر فعال مصر^۱ به عنوان طلایه‌دار حرکت‌های انقلابی، گویای پیروزی جناح محافظه‌کار برجناح انقلابی در نخستین اجلاس سران بود. واکنش مطبوعات غرب، به خوبی این مدعا را به اثبات می‌رساند.

۱. دولت مصر در کنفرانس اسلامی شرکت کرد اما ناصر، انور سادات، معاون خود را روانه مراکش نمود. نقل از کتاب «نتایج کنفرانس رباط»، ص ۱۸.

فصل دوم

بررسی دومین کنفرانس سران در لاهور پاکستان

بند اول

خلاصه سابقه و اهم تصمیمات اجلاس لاهور

دومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی، از تاریخ ۲۲ تا ۲۴ فوریه ۱۹۷۴ برابر با ۳۰ محرم تا ۲ صفر ۱۳۹۴ هجری در لاهور پاکستان تشکیل شد. در این کنفرانس، نمایندگان ۳۶ کشور اسلامی شرکت داشتند^۱. نکته در خور توجه این که، دولت سوریه که در اجلاس پیشین حضور نداشت، در این نشست نمایندگانی را به اجلاس اعزام نمود. دولت عراق نیز به عنوان عضو ناظر در اجلاس شرکت کرد. بزرگترین هیأت اعزامی را عربستان تشکیل می‌داد، ۱۹ عضو رسمی و ۷ عضو غیر رسمی نیز در سطح وزرای امور خارجه، در این کنفرانس حضور یافتند.

اهم تصمیمات متخذه در کنفرانس لاهور

کنفرانس، با عقیده راسخ به این که ایمان مشترک آنها غیر قابل تجزیه بوده و ملت‌های

۱. ۱- افغانستان، ۲- الجزایر، ۳- بحرین، ۴- بنگلادش، ۵- چاد، ۶- گابن، ۷- گامبیا، ۸- گینه، ۹- گینه بیسائو، ۱۰- اندونزی، ۱۱- ایران، ۱۲- اردن، ۱۳- مغرب، ۱۴- عربستان، ۱۵- کویت، ۱۶- لبنان، ۱۷- لیبی، ۱۸- مالزی، ۱۹- مالی، ۲۰- موریتانی، ۲۱- نیجر، ۲۲- عمان، ۲۳- پاکستان، ۲۴- یمن دمکراتیک، ۲۵- سومالی، ۲۶- سودان، ۲۷- سوریه، ۲۸- تونس، ۲۹- ترکیه، ۳۰- اوگاندا، ۳۱- امارات متحده عربی، ۳۲- جمهوری یمن، ۳۳- فلسطین، ۳۴- نماینده عراق (بصورت ناظر شرکت کرد)، ۳۵- دبیرکل اتحادیه عرب (به شکل ناظر حضور یافت).

مسلمان به وسیله ایمان مشترک، با یکدیگر همبستگی دارند و وحدت ملل اسلام، نه بر مبنای خصوصیت‌ها و تبلیغات نژادی و فرهنگی، بلکه بر اساس مساوات و اخوت و احترام به مقام انسانی و مقابله با ظلم و بی‌عدالتی بنا شده‌است، اشتیاق خود را نسبت به کوشش‌های ملل دنیا به ویژه ملل آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین در ترویج صلح جهانی بر اساس آزادی، عدالت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آنان با ایمان منطبق بر ایدئولوژی اسلامی ابراز می‌دارد. کنفرانس، حفظ و ارتقای وحدت بین ممالک مسلمان و امتناع از دخالت در امور داخلی یکدیگر و حل مسالمت‌آمیز اختلافات را مورد تأیید قرار می‌دهد.

کنفرانس، از تلاش‌های سازنده کلیسای مسیحی در سراسر دنیا و در ممالک عرب به خصوص لبنان، مصر، اردن، سوریه که مسأله فلسطین را برای افکار عمومی دنیا تشریح می‌نماید، قدردانی می‌کند. کنفرانس از کشورهای عضو این سازمان می‌خواهد که پشتیبانی از تلاش‌های کشورهای آفریقایی بر ضد استعمار و رژیم‌های نژادپرست بویژه رژیم رودزیا، آفریقای جنوبی و مستعمرات پرتغال را ادامه دهند و به هر گونه همکاری و داد و ستد با این رژیم‌ها بویژه در زمینه نفت - خاتمه دهند.

بند دوم - تجزیه و تحلیل نقاط عطف اجلاس دوم سران

در حالی که کنفرانس متقاعد شده است که پشتیبانی نظامی، اقتصادی، سیاسی و معنوی بعضی از ممالک به خصوص آمریکا از اسرائیل، این کشور را قادر می‌سازد که سیاست تجاوزکارانه خود را دنبال کند و اشغال سرزمین‌های عربی و فلسطین را تحکیم بخشد و با توجه به این که ادامه رابطه با اسرائیل در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، ارتباطات و غیره، این کشور را قادر می‌سازد که در نگهداری سرزمین‌های عربی و سیاست توسعه طلبی خود اصرار ورزد، شرکت کنندگان تصمیم گرفتند:

- پشتیبانی کامل خود را از تلاش‌های مشروع مردم مصر، اردن، سوریه و فلسطین برای بازپس گرفتن سرزمین‌های خود اعلام کنند.

- اقدامات همه جانبه برای وادار ساختن اسرائیل به عقب نشینی بدون قید و شرط از همه سرزمینهای اشغالی را معمول دارند.
- از همه کشورها تقاضا می‌کنند تا با وسایلی ممکن از کوشش‌های مردم فلسطین بر ضد صهیونیسم و استعمار پشتیبانی نمایند.
- سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان تنها نماینده مشروع ملت فلسطین در مبارزات عادلانه خود مورد تأیید قرار گیرد.
- از کشورهای عضو درخواست می‌کند برای ایجاد دفاتر سازمان آزادی بخش فلسطین در کشورهای که در این سازمان نمایندگی ندارد، تسهیلات لازم را فراهم آورند.
- کنفرانس، همبستگی قهری مسلمانان با شهر بیت‌المقدس و تصمیم راسخ دولتهای اسلامی برای آزاد ساختن و استقرار حاکمیت اعراب بر آن را اعلام می‌دارد.
- کنفرانس، امتناع اسرائیل از اجرای مواد کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ در مورد حفاظت غیر نظامیان در زمان جنگ و سیاست آن کشور در مورد یهودی کردن فرهنگ و طبیعت سرزمینهای اشغالی و تخلف از حقوق بشر را به عنوان یک اقدام جنایتکارانه و غیر انسانی محکوم می‌کند.
- همه اقدامات اسرائیل در سرزمینهای اشغالی، من جمله اقداماتی که به منظور الحاق و یهودی کردن شهر بیت‌المقدس به عمل آمده است را کان لم یکن تلقی می‌کند.
- همه کشورهای را که به اسرائیل کمکهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و انسانی می‌کنند، محکوم می‌کند و از این کشورها می‌خواهد که هر چه زودتر به این عملیات پایان دهند.
- کنفرانس، به ابتکارات اساسی ممالک آفریقایی، کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا و همچنین سایر کشورهای دوست در مورد پشتیبانی از حقوق اعراب و عدم برقراری روابط با اسرائیل، ارج می‌نهد.
- از کشورهای عضو که هنوز با اسرائیل رابطه دارند، دعوت می‌کند که این روابط را قطع کنند و بدین وسیله از وحدت اسلامی پشتیبانی کنند.

- کنفرانس، ضمن باطل دانستن اقدامات اسرائیل در مورد الحاق بیت المقدس و تغییر خصوصیات تاریخی و مذهبی این شهر، از اسرائیل می‌خواهد هر چه زودتر از بیت المقدس عقب‌نشینی کند.

- کنفرانس، تأمین حقوق مردم فلسطین و نگهداری بیت المقدس در حاکمیت اعراب را شرط اصلی و غیر قابل تغییر برای هر نوع راه حل در خاورمیانه دانسته و هر گونه کوششی را برای بین‌المللی ساختن آن مردود می‌شمارد.

- کنفرانس، تصمیم می‌گیرد که به تلاشهای خود در مورد آزاد کردن بیت المقدس و حفاظت از اماکن مقدسه ادامه داده و تأکید می‌نماید که بیت المقدس نباید مورد معامله قرار گیرد و از هر گونه تلاش دوستانه‌ای در این مورد استقبال می‌کند.

تصمیمات اقتصادی

خاتمه دادن به استعمار ممالک در حال توسعه و از میان برداشتن فقر، مرض، و جهل از کشورهای اسلامی.

تنظیم شرایط صحیح بازرگانی بین ممالک پیشرفته و ممالک در حال توسعه، در مورد تأمین مواد خام و ورود کالاهای صنعتی و تکنیکی.

تأمین حق حاکمیت و کنترل کامل ممالک در حال توسعه در مورد منابع طبیعی خودشان و همکاری اقتصادی متقابل.

شرکت کنندگان تصمیم گرفتند کمیته‌ای متشکل از نمایندگان و کارشناسان الجزایر، مصر، لیبی، کویت، پاکستان، عربستان، سنگال و امارات متحده عربی برای جلب همکاری سایر ممالک مسلمان برای حصول به اهداف اقتصادی و امور عام‌المنفعه ملل، تشکیل دهند. این کمیته پیشنهاد خود را به کنفرانس بعدی وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی تسلیم می‌کند.^۱

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۳۸۴۳.

تجزیه و تحلیل تصمیمات اقتصادی اجلاس دوم سران

این اجلاس به دنبال تجزیه پاکستان، به دو بخش شرقی و غربی تشکیل شد. به دنبال شکست ارتش پاکستان، بوتو، نخست وزیر اسبق این کشور نیاز به فرصتی داشت تا بنگلادش را به رسمیت بشناسد و مجیب‌الرحمن را به عنوان رئیس جمهور بنگلادش در لاهور و در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی ملاقات کند. دومین اجلاس سران در لاهور پاکستان، در شرایط خاص آن زمان می‌توانست موجب تقویت روحیه مردم این کشور شود^۱.

همچنین در این کنفرانس از تنکو عبدالرحمن، اولین دبیرکل سازمان قدردانی بعمل آمد و تاریخ و محل برگزاری پنجمین کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی، ماه مه ۱۹۷۶ در کوالالمپور تعیین گردید و از عدم آمادگی افغانستان برای میزبانی این کنفرانس اظهار تأسف شد.

در این کنفرانس، تصمیم گرفته شد که صندوقی به نام صندوق وحدت اسلامی به منظور ارتقای همبستگی و اعتلای ارزشها و فرهنگ اسلامی و افزایش دانشگاههای اسلامی تأسیس گردد و به این صندوق از طرف کشورهای عضو بر حسب توان مالی آنها مساعدت شود^۲.

این اجلاس اگرچه موضوعات متنوعی را مورد بررسی قرارداد اما همچون اجلاس پیشین، فاقد یک ضمانت اجرایی مطمئن بود. «تصمیم مشترک مبنی بر تلاش برای آزادسازی بیت‌المقدس»، به تنهایی نمی‌تواند موجب آزادی بیت‌المقدس شود و لاجرم، این تصمیم باید همراه با ضمانت اجرایی از سوی تمامی کشورهای اسلامی به مرحله اجرا درآید. اما متأسفانه این قطعنامه، و سایر قطعنامه‌ها دارای ضمانت اجرایی نیستند.

۱. استفاده از مقاله با عنوان «تحلیلی بر علل پیدایش اجلاس اول تا سوم سران کنفرانس اسلامی» از روزنامه اطلاعات مورخه ۵۹/۱۱/۸.

2. «Organisation de la Conference Islamique», P. 26-27

فصل سوم

بررسی سومین کنفرانس سران اسلامی در طائف عربستان

بند اول

خلاصه سابقه و اهم تصمیمات اجلاس طائف

سومین کنفرانس سران اسلامی از تاریخ ۱۹ الی ۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۱ برابر با ۲۵ الی ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱ در مکه مکرمه (طائف) تشکیل شد. در این کنفرانس ۳۸ عضو شرکت کردند.^۱ نمایندگان ۲۴ کشور و سازمانها و مؤسساتی از قبیل سازمان ملل متحد، سازمان آزادی بخش فلسطین، اتحادیه کشورهای عربی، سازمان وحدت آفریقا، یونسکو و کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان و مؤسسات وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی و نمایندگان کشورهای نیجریه و قبرس به عنوان ناظر حضور داشتند. از نماینده مجاهدین افغانی نیز برای شرکت در کنفرانس دعوت به عمل آمده بود.

در این کنفرانس، جمهوری اسلامی ایران به دلیل تجاوز نظامی رژیم عراق علیه ایران و به علت شرکت و حضور صدام، در اجلاس مزبور شرکت نکرد.

لیبی نیز به دلیل ارسال رادارهای «آواکس» آمریکا به عربستان، این کنفرانس را تحریم

۱. اردن - الجزایر - اندونزی - امارات متحده عربی - اوگاندا - بحرین - بنگلادش - پاکستان - تونس - ترکیه - جیبوتی - چاد - گامبیا - سنگال - سودان - سوریه - سومالی - عراق - عربستان - عمان - مسقط - قطر - فلسطین - گابن - گینه - گینه بیسائو - کومور - کامرون - کویت - لبنان - مراکش - مالزی - مالدیو - مالی - موریتانی - نیجر - ولتای علیا - یمن جنوبی - یمن شمالی.

نمود و در آن شرکت نکرد.

برنامه این کنفرانس، مفصل بود و موضوعات متنوعی را در بر می‌گرفت؛ که شامل تنظیم روابط بین کشورهای اسلامی، آزادسازی بیت‌المقدس، مسأله فلسطین، جنگ ایران و عراق، اشغال افغانستان، بحران لبنان، تشکیل دادگاهی برای حل و فصل اختلافات کشورهای اسلامی، مشکلات کشورهای ساحل آفریقا، بررسی اعلامیه حقوق بشر در اسلام، تقویت صندوق همبستگی اسلامی، ایجاد گروه امداد اسلامی، کمیسیون قدس، ایجاد مرکز توسعه بازرگانی اسلامی در شهر طنجه و غیره بود.

این کنفرانس، قطعنامه مستقلی در مورد ایران و عراق صادر کرد که در فصل بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نتیجه تصمیمات این کنفرانس و بحث‌های مربوط، به عنوان سند اساسی کنفرانس یا بیانیه مکه انتشار یافت که خلاصه آن از این قرار است:

اهم تصمیمات متخذه در کنفرانس طائف

کنفرانس، تقویت همبستگی بین ملتها و دولتهای اسلامی، احتراز از تفرقه، و طرد وابستگی به بلوک‌ها و مکاتب غیراسلامی و اتخاذ موضع هماهنگ در مراجع بین‌المللی را مورد تأکید قرار می‌دهد. اعمال و اهداف اسرائیل غاصب و سیاست حمایت از این اقدامات را محکوم نموده و از حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و ایجاد یک کشور مستقل تحت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین، پشتیبانی می‌کند و با هر گونه تمهیداتی برای پذیرش راه‌حلهای غیر عادلانه مخالف است و با قاطعیت تأکید می‌کند که با همه امکانات با صهیونیسم و خشونت‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که در قدس به منصفه ظهور رسیده و اقداماتی که برای الحاق و تخلیه آن انجام گرفته‌است، مقابله می‌کند. جهاد برای آزادی قدس و سرزمینهای اشغالی و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و پایان بخشیدن به بی‌عدالتی را ادامه می‌دهد.

کنفرانس همچنین حمایت خود را از مبارزات مردم افغانستان ادامه داده و همبستگی

کامل خود با ملت افغانستان و مبارزات‌شان برای آزادی و استقلال را اعلام می‌کند. کنفرانس نگرانی شدید خود را نسبت به رقابت ابر قدرتها و شایعات مبنی بر گسترش مناطق تحت نفوذ و حضور آنها در اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس ابراز می‌کند. در قطعنامه آمده است؛ ما از تمام کشورهایی که دارای اقلیتهای مسلمان هستند، استمداد می‌طلبیم که به آنان اجازه دهند در کمال آزادی، مراسم مذهبی خود را اجرا کرده و کاملاً از حقوق شهروندی بهره‌مند شوند. ما میل داریم تا ارزشهای انسانی، برابری و برادری، عدالت اسلامی، صلح و فضایی برای پایان بخشیدن به جنگ‌ها و خصومت‌ها استقرار یابد و نگرانی شدید خود را از فرقه‌گرایی، نژاد پرستی، سلطه طلبی، مسابقات تسلیحاتی، استثمار و فشار بر ملت‌های ضعیف ابراز می‌داریم.

همچنین ما بر حمایت از سازمان ملل متحد و سایر مؤسسات بین‌المللی که از چارچوب مناسبی برای همکاری و تفاهم متقابل برخوردارند و بطور با ارزشی در حل اختلافات و بحرانها سهیم می‌باشند، تأکید می‌ورزیم و عملکرد اسرائیل و سایر دولتها، که به طور منظم به اصول و منشور سازمان ملل متحد تجاوز می‌کنند، محکوم می‌کنیم.

ما علاقه خود را به اصول و اهداف جنبش غیرمتعهدها، حمایت از اتحادیه کشورهای عرب و سازمان وحدت آفریقا ابراز کرده و همبستگی خود را با کشورهای جهان سوم اعلام می‌داریم.

هماهنگی بین مسلمانان و استقرار اصول اسلامی را در زندگی امت اسلامی تشویق نموده تا بدین ترتیب در پیروزی خیر بر شر و هدایت شهروندان در کمک به یکدیگر و پایان دادن به همه اختلافات و ایجاد جامعه‌ای بر پایه قانون، اخلاق و عدالت سهیم باشیم. مشترکاً اعلام می‌داریم، حاضریم با قاطعیت برای نابودی فقر تلاش نماییم و این کار را در سایه همبستگی و همکاری اقتصادی و توسعه هماهنگی اقدامات کشورهایمان انجام خواهیم داد. هدف ما، استقرار روابط اقتصادی بین‌المللی بر اساس مساوات، استقلال و تعادل منابع می‌باشد تا بتوانیم محرومیت‌ها، استثمار و عقب ماندگی را از بین برده و ملت‌های محروم را در راه توسعه

یاری کنیم.

ما بر ضرورت انتشار و تبلیغ اصول عالی‌ه اسلام و درخشش معنوی آن در جوامع مسلمان، در سراسر جهان اعتقاد داریم و بر همکاری و تأمین وسایل مادی و انسانی در جهت تحقق آن تأکید می‌ورزیم و تلاش‌های خود در زمینه آموزش و پرورش و فرهنگ، پاسداری از ارزشهای معنوی و فرهنگی خود و تصفیه اندیشه اسلامی از عناصر ناخالص محرک و تفرقه انداز را هماهنگ می‌سازیم.

از ایجاد سازمان کنفرانس اسلامی، به خود تبریک گفته و متعهد می‌شویم برای تثبیت و گسترش و استقرار معیارهای با ارزش سازمان خود، تحکیم کمیته و صندوق قدس و سایر مؤسسات ویژه و تابعه سازمان کنفرانس اسلامی کوشا باشیم^۱.

اگرچه محورهای مطرح شده در سومین اجلاس سران «سکا» کاملاً منطبق بر اصول و اهداف مندرج در منشور سازمان کنفرانس اسلامی بود، اما به دنبال تصویب این قطعنامه، رهبران کشورهای اسلامی، از دست زدن به اقدامی مؤثر برای اجرای مصوبات اجلاس، طفره رفتند. این عدم تحرک تا حد قابل ملاحظه‌ای متأثر از فشارهای اعمال شده از سوی قدرتهای خارجی ذی‌نفع در مسائل مطرح شده در قطعنامه بوده‌است، که این مسئله در جای مناسب مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۶۸۷۷.

فصل چهارم

بررسی چهارمین کنفرانس سران در کازابلانکا

بند اول - خلاصه سابقه و اهم تصمیمات اجلاس کازابلانکا

چهارمین کنفرانس سران دولتهای اسلامی از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۴، برابر با ۱۶ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ در کازابلانکا دومین شهر مهم مراکش، در میان تدابیر شدید امنیتی با شرکت ۴۲ کشور از ۴۵ کشور عضو، به ریاست ملک حسن دوم، پادشاه مراکش در شرایطی برگزار شد که تقریباً نیمی از سران کشورهای اسلامی، از شرکت در این اجلاس امتناع ورزیدند و تنها ۲۵ نفر از سران کشورهای اسلامی حضور داشتند و ریاست هیأت‌های نمایندگی بقیه کشورهای را معاونان رؤسای جمهور، نخست وزیران و یا وزرای خارجه به عهده داشتند. از جمله کشورهایی که در سطوح پایین‌تر از سران در کنفرانس حضور به هم رسانیدند می‌توان از لیبی، سوریه، الجزایر، یمن جنوبی، لبنان، عراق نام برد، جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل محل تشکیل کنفرانس و عدم صلاحیت رژیم پادشاهی مراکش در میزبانی اجلاس سران و نیز به دلیل فقدان صلاحیت سازمان کنفرانس اسلامی در حل مسأله جنگ عراق علیه ایران، به کلی کنفرانس را تحریم کرد و در آن مشارکت ننمود.^۱

در جلسه افتتاحیه، ابتدا ملک فهد، پادشاه عربستان و سپس خاویر پرز دکوئیار دبیرکل

۱. روزنامه جمهوری اسلامی ایران شماره ۲۵ دی ماه ۱۳۶۲ ص ۱۱ و نشریه پیام انقلاب شماره ۱۰۲ مورخ اول بهمن ۱۳۶۲، ص ۱۲ و مقاله مصاحبه با دکتر ولایتی با عنوان «جنگ، انتخابات، کنفرانس سران اسلامی».

سازمان ملل متحد که بنا به دعوت قبلی در جلسه حضور یافته بود، سخنرانی کردند. از خانم ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند دعوت شده بود که به عنوان ناظر در این اجلاس شرکت جوید، لکن خانم گاندی، به ارسال پیامی اکتفا نمود.

سپس آقای حبیب شطی، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، درباره موضوعات مطروحه در این اجلاس سخنرانی کرد.

در این جلسه برخی از رؤسای هیأت‌های اعزامی از سوی دولت‌های اسلامی به ایراد سخنرانی پرداختند و درباره مشکلات و مسائل جهان اسلام که باید آنها را مورد توجه قرارداد، بحث نمودند و سپس طرح‌هایی را به منظور حل این مسایل پیشنهاد کردند.

حاضرین در کنفرانس، به سخنان آقای برهان‌الدین ربانی، نماینده مجاهدین افغانستان که در مورد مقاومت ملت افغان و مبارزه عادلانه آنان برای آزاد سازی وطن اشغال شده شان ایراد شد، گوش فرادادند.

در این اجلاس، مسائل سیاسی زیر در دستور کار اجلاس سران قرار گرفت:

بررسی مسأله جنگ ایران و عراق، اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی، مشکل صحرا، مسأله قبرس، شکاف و اختلافات داخلی سازمان آزادی بخش فلسطین، اوضاع لبنان، بحران اسرائیل و اعراب، طرح صلح خاورمیانه (فاس)^۱، تأسیس دادگاه بین‌المللی اسلامی، الحاق مجدد مصر به کنفرانس اسلامی، حمله نظامی آمریکا به مواضع سوریه در ارتفاعات جولان، همبستگی با مبارزات مردم نامیبیا و مبارزه با تبعیض نژادی در جنوب آفریقا، مشکلات ساحل عاج، مسأله قدس در برنامه تبلیغاتی و اشغال دو منطقه سومالی توسط اتیوپی.

۱. بر اساس طرح صلح خاورمیانه، از اجلاس سران کشورهای اسلامی خواسته شد که طرح عربی، راه حل مسأله فلسطین و خاورمیانه را که قبلاً در دوازدهمین اجلاس سران کشورهای عربی در فاس مراکش مورخ سپتامبر ۱۹۸۲، مورد تصویب قرار گرفت را بپذیرند. این طرح توسط فهد شاه عربستان ارائه شد و حق حیات کلیه کشورهای منطقه را در مرزهای امن به رسمیت می‌شناخت. به عبارت دیگر، به طور تلویحی حق حیات اسرائیل را به عنوان یک کشور آزاد مورد تأیید قرار می‌داد.

اهم تصمیمات متخذه در کنفرانس کازابلانکا

کنفرانس، شاه حسن دوم را به پاس خدماتش به فلسطینی‌ها برای سه سال به ریاست کمیته قدس برگزید.

کنفرانس، منشور اسلامی حقوق بشر را مورد تصویب قرارداد.

اتخاذ تصمیم در مورد تأسیس دادگاه بین‌المللی اسلامی، به اجلاس پنجم سران موکول شد.

کنفرانس، ضمن ابراز نگرانی از ادامه مداخلات نظامی شوروی در افغانستان، تقاضا کرد، نیروهای خارجی بدون قید و شرط خاک این کشور را تخلیه نمایند. کنفرانس طی تصویب قطعنامه‌ای، از ایران و عراق خواست به جنگ خاتمه دهند و از همسایگان دو کشور نیز خواسته شد تا از تلاش‌های سازمان کنفرانس اسلامی که در صدد یافتن یک راه حل مسالمت آمیز برای پایان دادن به جنگ است، حمایت کنند. از عملکرد سازمانهای بین‌المللی که اهداف آن با اهداف سازمان «سکا» هماهنگ باشد، حمایت نموده و از تمام ملل و دولتها استدعا می‌کند تا نسبت به امت اسلامی و ملت‌های آن احساسات برادرانه و صمیمانه مبرا از هر گونه بی‌عدالتی داشته باشند!

بند دوم - تجزیه و تحلیل نقاط عطف اجلاس چهارم سران

این قطعنامه، همچون قطعنامه‌های اول و دوم سران، همچنان مسأله فلسطین را در صدر موضوعات مطروحه در اجلاس قرار داده است. این قطعنامه، ضمن محکوم کردن اقدامات اسرائیل، از حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین در ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی تحت رهبری «ساف» حمایت می‌کند. این قطعنامه، بار دیگر بر لزوم آزاد سازی قدس از طریق جهاد، تأکید می‌کند، اما از ارائه طرح عملی به منظور مبارزه همه جانبه با اسرائیل طفره می‌رود و به

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبيكان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۴۴-۵۴.

عبارت دیگر، این قطعنامه فاقد تضمین‌های عملی برای اجرای مفاد آن است. این قطعنامه برای اولین بار، در بالاترین سطح یعنی سران دولتهای اسلامی، در قبال بحران افغانستان موضع‌گیری می‌کند و ضمن حمایت از مبارزات مردم مسلمان افغانستان، همبستگی کامل کنفرانس اسلامی با ملت افغانستان در راه نیل به آزادی و استقلالشان را اعلام می‌دارد. دعوت از مجاهدین افغانی برای شرکت در کنفرانس سران در طائف، میزان نگرانی سران اسلامی از تحولات سیاسی افغانستان را نشان می‌دهد و به گونه‌ای تلویحی، رژیم «ببرک کارمل» در افغانستان را که با کودتایی نظامی قدرت را در دست گرفته و رژیم مارکسیستی بر پا نموده^۱، تحت فشار قرار دهد. این اقدامات اجلاس سران، در پی تعلیق عضویت کرسی افغانستان در سازمان کنفرانس اسلامی از سوی یازدهمین اجلاس وزرا امور خارجه کشورهای اسلامی که در سال ۱۹۸۰ میلادی در اسلام‌آباد پاکستان تشکیل شد، انجام می‌گیرد.

در واقع این اقدام، در چارچوب اجرای بند ششم از سلسله اهداف سازمان کنفرانس اسلامی، مبنی بر «حمایت از مبارزه کلیه ملتهای اسلامی به خاطر حفظ حیثیت و استقلال و حقوق ملی خویش» صورت گرفت.

اگرچه در بخشی از این قطعنامه، از صلح حمایت می‌شود و از طرفی، سازمان کنفرانس اسلامی نگرانی، شدید خود را از فرقه‌گرایی و سلطه طلبی ابراز می‌دارد اما این اجلاس، تجاوز نظامی رژیم عراق به جمهوری اسلامی را بر اساس تعهدات خود و در چارچوب منشور کنفرانس اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌دهد و تنها به صدور قطعنامه‌ای که جانب بی‌طرفی در آن رعایت نشده است، بسنده می‌کند.^۲

نکته دیگر اجلاس، حمایت سران اسلامی از سازمان ملل و سایر مؤسسات بین‌المللی است که زمینه مناسبی برای همکاری و تفاهم متقابل دارند.

این موضع کشورهای اسلامی، در چارچوب بند دوم از سلسله اهداف اعلام شده در

۱. این تحلیل مربوط به قبل از تأسیس دولت اسلامی در افغانستان است.

۲. فصل سوم از بخش سوم. «بررسی قطعنامه سوم سران در مورد جنگ ایران و عراق». در همین کتاب.

منشور سازمان کنفرانس اسلامی، که بر مشاوره با سازمانهای بین‌المللی تأکید دارد، انجام می‌شود.

قبل از خاتمه بررسی پیرامون اجلاس طائف، ذکر این نکته شایان توجه است که بر اساس برخی از اسناد موجود^۱، مقرر شد سران کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر طبق تصمیم متخذه در سال ۱۹۷۵، به عنوان جزئی از مراسم بزرگداشت چهاردهمین قرن هجرت پیامبر اکرم (ص)، در مکه گردهم آیند. سازمان کنفرانس اسلامی، یک هیأت متشکل از نمایندگان دوازده کشور اسلامی را مأمور پیگیری و اجرای این طرح کرد و قرار بود که محور اجلاس سوم سران «ویژگی‌های مراسم بزرگداشت هجرت و نمودهای بلند مدت سیاست اسلام در قرن جدید هجری» باشد. اما به دلایلی که بر ما روشن نیست، رژیم عربستان با مطرح نمودن حضور هیأت‌های عالی رتبه غیرمسلمان از کشورهای عضو کنفرانس، از اجرای این طرح سرباز زد. حبیب شطی، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی در این خصوص گفت: اجلاس طائف به جای یادبود هجرت، مشکل اورشلیم را بررسی خواهد کرد^۲. حبیب شطی، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، بار دیگر از طرف کنفرانس سران تا دسامبر ۱۹۸۴ در این مقام ابقا شد و تعیین دبیرکل جدید به اجلاس آتی وزرای خارجه موکول گردید^۳. همچنین در این اجلاس تصمیم گرفته شد که پنجمین اجلاس سران در سال ۱۹۸۷ در کویت و پانزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه از ۸ تا ۱۲ دسامبر ۱۹۸۴ صنعا پایتخت یمن شمالی برگزار شود.

سلطان نشین تازه استقلال یافته بروئی در جنوب آسیا، به عنوان چهل و ششمین کشور اسلامی شناخته شد و به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی درآمد^۴.

۱. در بند ۱۱۹ از مجموعه تصمیمات دهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس در فاس (مارس ۱۹۷۹) آمده است: «در مورد مکان و زمان انعقاد سومین کنفرانس سران که در چارچوب جشن‌های پانزدهمین قرن هجرت صورت می‌گیرد، کنفرانس مملکت عربی سعودی را میزبان اجلاس سران کنفرانس اسلامی در ماه اول ۱۴۰۱ هـ ق معرفی می‌کند.

۲. مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر علل اجلاس اول تا سوم سران» روزنامه اطلاعات، مورخه ۵۹/۱۱/۸.

۳. تعیین دبیرکل جدید به اجلاس وزرای خارجه در صنعا موکول گردید.

۴. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول بهمن ۱۳۶۲، ص ۳.

کنفرانس، حملات هوایی آمریکا به مواضع سوریه در دسامبر ۱۹۸۳، مستحکم شدن روابط آمریکا با اسرائیل و اختطار آمریکا دایر بر قصد کناره‌گیری از یونسکو را محکوم کرد.

کنفرانس پس از شنیدن سخنان ملک حسن دوم در مورد «میثاق دارالبیضاء» و بعد از مشارکت ملک فهد بن عبدالعزیز و تعدادی از رؤسای هیأت‌های اعزامی در مورد فلسفه و اهداف این میثاق، با اجماع، موافقت خود را با «میثاق دارالبیضاء» اعلام داشت و پانزدهمین اجلاس وزرای خارجه که بنا بود در صنعا برگزار شود، موظف کرد اعضای کمیته‌های منطقه‌ای، به منظور مصالحه و ایجاد اتفاق نظر در مورد متن میثاق را، ایجاد کند.

در مورد مسأله فلسطین و وضعیت خاورمیانه، کنفرانس ضمن تأکید بر پایبندی بر اصولی که حل مسأله فلسطین و خاورمیانه به آنها وابسته است، عقب‌نشینی اسرائیل از تمامی اراضی که در سال ۱۹۶۷ میلادی اشغال نموده بود و اعاده حقوق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت و برپایی دولت فلسطین را مورد تأکید قرار می‌دهد.

کنفرانس، طرح صلحی را که به تصویب دوازدهمین کنفرانس عربی در فاس رسید، مبنا قرار می‌دهد و از کشورها می‌خواهد با تمام امکانات خود، در جهت تبیین این طرح و شرح ابعاد آن و کسب تأیید بین‌المللی به منظور اجرای آن بکوشند.

در مورد مسائل سازمانی «سکا»، این کنفرانس با قطعنامه‌های زیر موافقت کرد:

الف) کنفرانس، از جمهوری عربی مصر به منظور از سرگیری عضویتش در سازمان کنفرانس اسلامی دعوت به عمل آورد.

ب) کنفرانس، تصویب نمود تا کمیته‌ای متشکل از سه دولت و دبیرکل به منظور ارتباط با حکومت مصر ایجاد کند. این اقدام به دلیل گرفتن تعهد از این کشور برای پایبندی به اصول و مقررات سازمان کنفرانس اسلامی صورت می‌گیرد.

ج) کمیته موظف است که گزارشی از اقداماتش در کشور مصر را، در مورد روند اقدامات انجام شده و به منظور حصول نتیجه از سوی دولتهای عضو، به ریاست چهارمین کنفرانس سران

اسلامی ارائه کند.^۱

این اجلاس، با توجه به سطح مشارکت ایران اسلامی و همچنین عدم حضور جمهوری اسلامی ایران، با اجلاس‌های پیشین سران اسلامی تفاوت چشم‌گیری داشت. سطح پایین مشارکت برخی از دولتهای انقلابی عرب چون لیبی، سوریه، الجزایر و یمن جنوبی، این نظر را تقویت می‌کرد که اجلاس کازابلانکا، با مسائل اساسی و اختلاف برانگیز روبرو است. از سوی دیگر، مکان برگزاری اجلاس چهارم سران و حضور رهبران دولتهای میانه‌رو عرب همچون مراکش، عربستان، تونس، اردن و یمن شمالی ایفای نقش فعال دولتهای محافظه کار عرب را به طور جدی مطرح می‌کرد.

این اجلاس، علاوه بر تکرار برخی از موضوعاتی که در سه اجلاس گذشته مطرح شد، حاوی نکات جدیدی است که به نوبه خود در تاریخ کنفرانس اسلامی کم‌نظیر است: اولاً تعیین پادشاه مراکش به ریاست «کمیته قدس» برای سه سال دیگر، میزان تعهد کنفرانس اسلامی در قبال مسأله ملت فلسطین را به زیر سؤال برد، سوابق ملک حسن دوم در رابطه با حقوق ملت فلسطین و انتصاب مجدد ایشان به ریاست کمیته قدس به منزله سهل‌انگاری در احقاق مردم فلسطین است.

ثانیاً با وساطت سران مراکش و عربستان، طرح عربی راه حل مسأله فلسطین و خاورمیانه که به «طرح فاس» معروف شد، مورد توافق و پذیرش سران اسلامی در کازابلانکا قرار گرفت. البته نماینده دولت لیبی به این طرح رأی منفی داد. این طرح با ابتکار فهد بن عبدالعزیز^۲ در دوازدهمین اجلاس جامعه عرب در فاس مراکش به تصویب سران دولتهای عربی - به استثنای لیبی - رسید.

«طرح فاس»، متضمن به رسمیت شناختن تلویحی رژیم اسرائیل بود، به عبارت دیگر، «میثاق دارالبیضاء» حق حیات همه کشورهای منطقه در مرزهای امن را مورد تأیید قرار می‌داد.

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۸۸۲

۲. فهد در این زمان، ولیعهد و نخست وزیر عربستان بود.

فهد در جلسه افتتاحیه چهارمین کنفرانس سران طی سخنانی خطاب به کلیه کسانی که از اسرائیل پشتیبانی می‌کنند، گفت؛ اگر آنها واقعاً خواستار صلح در خاورمیانه باشند، باید با اجرای طرح (صلح فاس) که در سال ۱۹۸۲ در فاس به تصویب رسید، موافقت کرده و تمام تلاش خود را به کارگیرند تا ملت فلسطین، حقوق قانونی از جمله تشکیل یک کشور مستقل به رهبری «ساف» را بازیابد. فهد اظهار عقیده کرد که این طرح، یگانه وسیله برای برقراری صلح در منطقه است.^۱

دیپراک سازمان کنفرانس اسلامی، در واکنش به تصویب طرح فاس در کنفرانس سران در کازابلانکا گفت: طرح عربستان سعودی برای خاورمیانه، که از سوی شاهزاده فهد اعلام شده است، تنها راه حل بحران خاورمیانه است. وی افزود؛ این طرح برای هر کشور در جهان اهمیت دارد. چون قادر است صلح را در منطقه برقرار کند و عدم تحرکی که بر اثر قرارداد کمپ دیوید در این منطقه پیش آمده است را از بین ببرد.^۲ با تصویب «طرح فاس» در اجلاس سران اسلامی در کازابلانکا، در آزادسازی کلیه سرزمینهای اشغالی که در خلال قطعنامه‌های پیشین سران مورد تأکید قرار گرفته بود تجدید نظر شد. در ضمن در قطعنامه، بر عقب‌نشینی اسرائیل از اراضی اشغال شده فلسطین بعد از جنگ ۱۹۶۷ تأکید شده بود. این قطعنامه، چیزی جز به رسمیت شناختن حق حاکمیت اسرائیل بر اراضی اشغال شده قبل از سال ۱۹۶۷ نبود.

این اقدام سران اسلامی در قبال مسئله فلسطین، با بند پنجم از سلسله اهداف مندرج در منشور کنفرانس اسلامی مغایرت دارد. در قسمتی از این بند، بر ایجاد هماهنگی در میان کشورهای عضو «سکا» به منظور آزاد ساختن «اماکن مقدسه» و حمایت از مبارزه ملت فلسطین و کمک به ملت فلسطین برای باز پس گرفتن حقوق و سرزمینهایشان تأکید شده است.^۳

تحرکات جناح محافظه کار در این اجلاس، به این میزان محدود نمی‌شود و موارد اساسی دیگری را در بر می‌گیرد که به آن اشاره می‌شود.

ثالثاً، موضوع بازگشت مصر به کنفرانس سران اسلامی از اهم تصمیماتی است که این

۱. مقاله‌ای با عنوان «تأکید فهد بر طرح فاس مراکش» روزنامه اطلاعات مورخه ۶۲/۱۰/۲۷.

۲. گزارشی با عنوان «تأکید شطی بر طرح فهد» روزنامه کیهان مورخه ۶۰/۸/۲۹.

۳. بند ۵ از ماده ۲ منشور «سکا».

کنفرانس اتخاذ کرد و به صورتی که بعداً نیز مشاهده شد، بازتاب وسیعی داشت که موجب خروج تدریجی این کشور از انزوا گردید و به همین منظور، بحث مفصل تری در این باب و سابقه آن لازم است.

بعد از پیمان صلح دو جانبه مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹، سازمان کنفرانس اسلامی در دهمین اجلاس وزرای امور خارجه که در سال ۱۹۷۹ در مراکش برگزار شد، طی قطعنامه‌ای تصمیم گرفت عضویت مصر را در کنفرانس اسلامی به حال تعلیق درآورد و شرط ورود مجدد مصر به این سازمان، منوط به از بین رفتن آثار کمپ دیوید گردید.^۱

در یازدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» در سال ۱۹۸۰ در اسلام آباد، طی قطعنامه‌ای ایجاد رابطه بین مصر و اسرائیل محکوم گردید و از کشورهای عضو خواسته شد که روابط دیپلماتیک خود را با مصر قطع کنند.^۲ اینک در چهارمین کنفرانس سران اسلامی، با آگاهی از وجود اثرات ناشی از کمپ دیوید، مصر مجدداً به عضویت سازمان پذیرفته شد.

احمد سکوتوره، رئیس جمهور گینه با برخورداری از حمایت ضیاءالحق رئیس جمهور پاکستان و کنعان اورن، رئیس جمهور ترکیه، پیشگام پایان دادن به تحریم مصر بود. آنها استدلال کردند که خود اعراب در طرح فاس، به برقراری صلح با اسرائیل اشاره کرده‌اند و یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین نیز با آشتی بحث‌انگیز خود با مبارک، تلویحاً موافقت‌نامه کمپ دیوید را پذیرفته است.

مباحثات موافقین و مخالفین بازگشت مصر به سازمان کنفرانس اسلامی

احمد سکوتوره، رئیس جمهور متوفای گینه، با ارائه طرحی که رفع تعلیق عضویت مصر در سازمان کنفرانس اسلامی را، منوط به احترام کامل این کشور به مصوبات کنفرانس اسلامی می‌کرد، خواستار بازگشت مصر به جرگه کشورهای اسلامی شد.

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و المؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۲۲۶-۲۲۷.
 ۲. همان، ص ۲۴۱-۲۴۰.

مخالفین طرح

۱. دولت سوریه

وزیر خارجه سوریه، طرح مذکور را متناقض با قطعنامه مربوط به درگیری اعراب و اسرائیل دانست. بند (ز) از ماده ۱ قطعنامه اشعار می‌دارد: «هیچ یک از طرف‌های ذی‌نفع در مسأله فلسطین نمی‌توانند به حل یک جانبه مسأله فلسطین در چارچوب پیمان کمپ دیوید بپردازند. این وضعیت، تا لغو پیمان کمپ دیوید و از بین رفتن آثار آن ادامه دارد». عبدالحلیم خدام ادعا کرد که مصر، همچنان به کمپ دیوید پایبند است، لذا رفع تعلیق عضویت را منوط به دو شرط نمود: ۱. دولت سوریه اجرای بند (ز) از ماده ۱ قطعنامه مذکور را از سوی کشورهای اسلامی خواستار است - ۲. این دولت، خواهان تعهد مصر به این بند می‌باشد.

۲. دولت الجزایر

طالب ابراهیمی، وزیر خارجه الجزایر تعلیق عضویت را، پس از تعهد مصر به قطعنامه‌های صادره از سوی سازمان کنفرانس پذیرفت و این پذیرش را با استناد به سخنان یاسر عرفات انجام داد.

۳. دولت لیبی

سرگرد جلوود نماینده رهبر لیبی، ضمن مخالفت با رفع تعلیق عضویت مصر در سازمان کنفرانس اسلامی، تصویب طرح از سوی اعراب را پیوستن دولتهای اسلامی به پیمان کمپ دیوید دانست.

۴. دولت یمن جنوبی

نماینده این کشور به عنوان اعتراض جلسه را ترک کرد.

موافقین طرح

دولت عراق

نماینده عراق پس از بیان سابقه قرارداد کمپ دیوید و ذکر این مطلب، که عراق سابقاً بر اساس کنفرانس بغداد با این پیمان مخالفت نموده بود، اما اکنون از آنجا که رئیس جمهور مصر طرح «فاس» را در سال ۱۹۸۲ که مورد اتفاق جامعه عرب قرار گرفت، مورد تأیید قرار داده و خود را در این وحدت شریک می‌داند، بنابر این با طرح آقای سکوتوره مبنی بر رفع تعلیق عضویت مصر در سازمان موافقت می‌کند.

سایر موافقین عبارت بودند از: سیرالئون، پاکستان، اردن، عربستان، مراکش، مالزی و سودان و یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین. سرانجام پس از رأی‌گیری مخفی، عضویت مجدد مصر مورد موافقت اکثریت اعضا قرار گرفت. برخی از گزارشها حاکی از آن است که نتیجه شمارش آرا از ۳۹ عضو حاضر در جلسه، ۳۲ رأی موافق در برابر ۷ رأی مخالف بوده است.^۱

در متن مصوبه سران اسلامی مقرر شده بود، به مجرد پذیرفتن صریح تصمیمات متخذه در سازمان کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه در سال ۱۹۸۱^۲، و کنفرانس عرب در سال ۱۹۸۲ از سوی مصر، این کشور می‌تواند به «سکا» بپیوندد.^۳ این در حالی بود که مصر اعلام کرد، هیچ‌گونه شرطی را برای پذیرش مجدد خود در سازمان کنفرانس اسلامی نخواهد پذیرفت و هر گونه دعوت یا پیشنهاد مشروط از جانب هر کس و یا هر جناحی را رد خواهد کرد^۴ کشورهای عضو جبهه پایداری^۵، موضوع لغو تعلیق عضویت مصر در سازمان کنفرانس اسلامی را بدون خروج مصر از پیمان کمپ دیوید، تلاش وحدت طلبانه‌ای تلقی نکرده و با آن

1. Facts on File 1984 Page 53 EL January 27-1984.

۲. در اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در بغداد در ژوئن ۱۹۸۱ طی قطعنامه‌ای، ضمن مخالفت با قرارداد کمپ دیوید، طرح به اصطلاح فاس را تنها راه صلح در خاورمیانه اعلام می‌دارد.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول بهمن ۱۳۶۲، ص ۳.

4. Weekly, News Summary 1984 Jan 19 Egypt (Islamic Conference Remit Egypt).

۵. این کشورها عبارتند از سوریه، لیبی، الجزایر، یمن جنوبی.

به مخالفت پرداختند ولی سلسله تلاش‌ها و تعهدات قبلی دولتهای محافظه‌کار منطقه و ترکیب اعضای کنفرانس، از پیش مشخص کرده بود که مخالفت نتیجه‌ای نخواهد داد. سران دولتهای اسلامی در کازابلانکا، بازگشت مصر به جرگه کشورهای عضو «سکا» را یک موفقیت وحدت طلبانه برای کنفرانس کازابلانکا قلمداد کردند.

در همان زمان، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی طی بیانیه‌ای بازگشت مصر به سازمان کنفرانس اسلامی را محکوم کرد و اضافه نمود که مسلمانان جهان اجازه نمی‌دهند که وابستگان استکبار جهانی به نام اسلام و مسلمین در سازمانی با نام اسلام اصیل، فلسطین را بازیچه خود قرا دهند و سیطره آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی را بر قدس شریف مهر تأیید بزنند^۱.

مقامات رسمی لیبی نیز برگزارکنندگان این کنفرانس را متهم کردند که عملیات آنها، ملهم از آمریکا و منظور از آن، وارد کردن مجدد مصر به جامعه اسلامی بدون حذف رابطه این کشور با اسرائیل است.

سرگرد جلود رئیس هیأت نمایندگی لیبی، طرح صلح خاورمیانه ۱۹۸۲ «فاس» و قطعنامه‌ای که در آن، تصویب این طرح از سوی چهارمین کنفرانس سران را پیش بینی نموده است، مورد انتقاد قرارداد و گفت: این طرح، دشمن صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد و به معنای رها کردن راه اقدام نظامی علیه اسرائیل است.

آنچه مسلم است، بازگشت مصر به جرگه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بدون انصراف این کشور از پیمان کمپ دیوید^۲، به منزله نادیده گرفتن مصوبات پیشین اجلاس سران و وزرای امور خارجه در خصوص بایکوت اسرائیل است^۳، و اختصاصاً دو مصوبه

۱. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول بهمن ۱۳۶۲ ص ۱۵.

۲. حسنی مبارک اعلام کرد که مصر همچنان به موافقتنامه کمپ دیوید وفادار خواهد ماند». مراجعه شود به روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول بهمن ۱۳۶۲، ص ۳.

۳. در اجلاس دوم سران، قطعنامه از کشورهای عضو که هنوز با اسرائیل رابطه دارند، دعوت می‌کند که این روابط را قطع کنند. اجلاس یازدهم وزرای خارجه در بند ۵۳، همه کشورهای عضو را دعوت به قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشوری که اسرائیل را به رسمیت بشناسد و یا قصد داشته باشد سفارت کشور متبوع

اجلاس‌های دهم و یازدهم که بازگشت مصر به سازمان کنفرانس اسلامی را مشروط به خروج این کشور از پیمان کمپ دیوید کرده، نقض می‌کنند. این رویه، به نوبه خود موجبات نادیده گرفتن قطعنامه‌های مشابه از سوی کشورهای عضو را فراهم کرد. نکته قابل توجه دیگر آن که سکوت سازمان کنفرانس اسلامی در قبال قرارداد کمپ دیوید و بازگشت مصر به جرگه کشورهای اسلامی به معنای اسلامیزه کردن قرارداد صهیونیستی کمپ دیوید خواهد بود. رفع تعلیق عضویت مصر در سازمان کنفرانس اسلامی به طور ضمنی به مثابه مهر تأیید یک سازمان اسلامی معتبر بر خیانت یک کشور اسلامی است.

رابعاً، موضع اجلاس سران دولتهای اسلامی در قبال جنگ ایران و عراق بدون توجه به خواستههای کشوری که در طی چهار سال تجاوز نظامی عراق مقاومت کرده، صرفاً یک موضع انفعالی بود و بیشتر تحت تأثیر موفقیت‌ها و شکست‌های هر یک از طرف‌های درگیر در جنگ تغییر می‌کرد و بدون توجه به مسبب و آغازگر جنگ و بدون در نظر گرفتن تنبیه متجاوز، صرفاً خواستار آتش بس و بازگشت به مرزهای بین‌المللی بود.

البته مشروح بررسی قطعنامه اختصاصی اجلاس چهارم سران پیرامون جنگ ایران و عراق، در فصل آتی از نظر خواهد گذشت.

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت؛ اجلاس چهارم سران نقطه عطف اساسی در حیات سازمان کنفرانس اسلامی تلقی می‌گردد. این اجلاس به شدت تحت تأثیر اقدامات جناح محافظه کار سازمان که در واقع از عناصر اصلی و بنیانگذاران آن بودند، قرار داشت.

موضع دولتهای مترقی و به طور اخص جبهه پایداری، روی هم رفته انفعالی بود. به نظر می‌رسد، در یک ریشه یابی کلی، این تحولات سریع در مواضع دولتهای عربی و اسلامی، ناشی از بحرانهای فزاینده اقتصادی در منطقه و گسترش ناامنی و تشنج در منطقه خلیج فارس و بالاخره اعمال فشار قدرتهای خارجی بویژه آمریکا بر روند تصمیم گیری سازمان بود. البته بررسی تحلیلی این جنبه‌ها در نتیجه گیری مورد توجه قرار خواهد گرفت.